بزرگراه فناوری متولد شد: کستلز در شبکه ای دیگر

شکوخواه، یونس

اوّلین شماره‏ی هفته‏نامه‏ی بزرگراه فناوری در 6 خرداد به کیوسک روزانه فروشی وارد شد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول این هفته‏نامه،دکتر مرتضی یوسفی است.

نخستین شماره‏ی هفته‏نامه با مطالب علمی در حوزه‏ی ICT ،و شایسته‏ی خسته نباشید است.

ورود این هفته‏نامه را به خانواده‏ی مطبوعات در جناب آقای دکتر یوسفی و سایر دست‏اندرکاران‏ صمیمانه تبریک می‏گوییم.برای آشنایی بیشتر خوانندگان ماهنامه با این هفته‏نامه«حرف اوّل»آن را که به قلم استاد دکتر یونس شکرخواه که در رابطه با سفر و جلسه‏ی پروفسور مانوئل کستلز، مشهورترین چهره‏ی جهانی جامعه‏ی شبکه‏ای است،عینا تقدیم می‏کنیم:

کستلز در شبکه‏ای دیگر دکتر یونس شکرخواه

او عوض شده است؟!یا در آستانه‏ی یک تغییر است؟!شاید هم یک گپ و گفت چند ساعته اصلا برای‏ پاسخ دادن به چنین پرسشی مناسب نباشد.

جواب هر چه باشد،من دارم درباره‏اش می‏نویسم و این نوشتن با هر در و نمایه‏ای حسّی از همان‏ چند ساعت است؛چند ساعتی که در دانشکده‏ی علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی رقم خورد.

مانوئل کستلز،مشهورترین چهره‏ی جهانی سال‏های اخیر در عرصه‏های ارتباطات و جامعه‏شناسی، دوشنبه بیست و دو ماه مه در سالنی مملوّ از دانشجو و استاد،در برابر جمع قرار گرفت.«سعی کن زیاد روی‏ من تمرکز نکنی؛من از صبح دو سخنرانی داشته‏ام و ترجیح می‏دهم حرف نزنم.»این نخستین جملاتبی بود که کستلز،نویسنده‏ی تریلوژی پرقدرت جامعه‏ی شبکه‏ای در گوش من به عنوان گرداننده‏ی مراسم زمزمه‏ کرد،مردی که انقلاب آی تی را با جنبش‏های اجتماعی،فرهنگی و بازسای کاپیتالیسم گرده زده است تا شیپور بیدارباش را برای جهانیان به صدا درآورده تا جامعه‏ی شبکه‏ای را تماشا کنند؛حالا می‏خواست یک‏طرفه به‏ جمع گره نخورد.

پروفسور کاظم معتمد نژاد،پدر ارتباطات ایران کنار من است و این یعنی من و همکاران و همکلاسی‏ها که با او راه‏ها پیموده‏ایم،باز هم می‏توانیم با آرامش خاطر حرف‏های‏مان را بزنیم و نگاه ایرانی‏مان را به زمین و زمان و به کستلز و جامعه‏ی شبکه‏ای‏اش داشته باشیم.پروفسور به زبان فرانسه،به میهمان اسپانیولی‏ خوش‏آمد می‏گوید و به سوابق انقلابی‏اش اشاره می‏کند.دکتر فرقانی،رئیس دانشکده هم به زبان انگلیسی‏ به او خوش‏آمد می‏گوید تا هرچه سریع‏تر از تشریفات اوّلیه رها شویم.همکاری دکتر هادی خانیکی،لید کنجکاوی‏های جمع ارتباطی حاضر را می‏نویسد:«آقای کستلز؛آیا هنوز نظریات انتقادی را دنبال می‏کنید؟ شما اگر چه به تأثیرات فکری پولانزاس،تورن و آلتوسر بر روی خودتان متعرف هستید،امّا آیا هنوز هم از موضع یک اندیشمند انتقادی به مقوله‏ی جامعه‏ی اطّلاعاتی نگاه می‏کنید یا نه؟»

برای دانشکده‏ای که مطالعات انتقادی برایش حکم نقشه‏ی راهنما را در جهان دیجیتال معاصر دارد، چنین پرسشی می‏توانست قلاّب اصلی بحث باشد.اما زود معلوم شد که ماهی طلایی ما حتّی اگر به قلاّب‏ گیر کند،برای بیرون کشده نشدن از آب هم برنامه دارد و ممکن است بگریزد،که گریخت:

«در بند چارچوب‏های نیستم،مانوئل کستلز به عنوان شخص،نگاه انتقادی دارد امّا کستلز محقّق مراقب‏ است که چنین نگاهی بر روی پژوهش‏هایش اثر نگذارد.»

به فارسی به دکتر خانیکی گفتم،من جور دیگری دنبال می‏کنم تا تکلیف را یک سره کنیم و پرسیدم:

«آیا کستلز پژوهشگر از اقتصاد سیاسی به عنوان یک جعبه ابزار برای مطالعه‏ی جامعه‏ی شبکه‏ای‏ استفاده می‏کند یا خیر؟»و بی درنگ گفت:«بله،از این جعبه ابزار استفاده می‏کنم،امّا کلّ این جعبه با من‏ نیست و آن را باز می‏کنم تا اگر ابزار به درد بخوری دال آن بود،از آن استفاده کنم.»

انی گونه پاسخ‏ها از چهره‏ای که جامعه‏ی شبکه‏ای را جامعه‏ای کاپیتالیست می‏داند و کاپیتالسم‏ اطّلاعاتی جهانی را مولّدترین سیستم در قلب محروم‏ترین افراد،برایم بیگانه به نظر می‏رسد و یان حس با تعقیب پرسش‏ها از طرف همکاران دیگرم،دکتر علی محمدی و دکتر پرویز پیران درباره‏ی جنبش‏های‏ اجتماعی هم با من باقی می‏ماند:

«جنبش‏ها نمی‏توانند دستور جلسه بسازند.آنها از ارزش‏ها دفاع می‏کنند و این نهادهای سیاسی هستند که باید کار را به پیش ببرند.»پس کارها به پیش نخواهد رفت.چون کستلز در عین حال معتقد است که سیاست‏ در بحران مشروعیّت متوقّف شده است.

دکتر احمد میر عابدینی به صراحت به او می‏گوید؛این یک کستلز دیگر است که این جا نشسته است،بعد هم پرسش‏های دانشجویان،کستلز را گرم می‏کند.او دوباره آرام در گوشم زمزمه می‏کند:«بهتر نیست کامل‏ ترجمه نکنی و فقط نکات مهم را ترجمه کنی تا وقت بیشتری برای طرح حرف‏ها داشته باشیم و بگذاریم‏ همه سؤال کنند؟این هما بچه‏های پر انرژی و باسوادی هستند؟»

به ساعتم نگاه می‏کنم.از وقت درنظر گرفته یک ساعت گذشته ولی کستلز تازه انگار دلش می‏خواهد بیشتر حرف بزند.حالا شوخی می‏کند؛با هیجان بیشتری حرف می‏زند و حتی به من کمک می‏کند و با اشاره‏ به نقاط مختلف سالن،پرسش کنندگان را که دست‏هایشان را بالا گرفته‏اند،نشان می‏دهد.کستلز حالا صریح‏تر هم شده است:«...آمریکا یک جانبه‏گر است؛...زنان و رسانه‏ها،کارگزاران تغییرات هستند؛... دارم درباره‏ی رابطه‏ی قدرت و ارتباطات کتاب دیگری می‏نویسم؛...سواستفاده‏ی جنسی از کودکان در آمریکا بالاست؛...هویّت‏های گوناگون راهکارهای بیرون ایستادن از نظام جهانی کاپیتالیست اطّلاعاتی‏ هستند؛...من آنتونی گیدنز نیستم،او طرفدار تونی بلر است...«در مراسم شامی که مشترکا از جانب خبرگزاری‏ میراث فرهنگی و دانشکده برگزار شده؛دکتر پایا مترجم جامعه‏ی شبکه‏ای به من می‏گوید،کستلز خیلی از تشکیل این جلسه خوشحال است.امّا به گمان من یک نفر از او خوشحال تر است.پدر ارتباطات این دیار که‏ ساکت نشسته بود و مراسم بی تکلّفی را تماشا می‏کرد که در آن شاگردانش در برابر یکی از نام آورترین‏ چهره‏های جهانی ارتباطی معاصر محک می‏خوردند.لبخند پروفسور کاظم معتمد نژاد در مراسم شام،وقتی‏ کنار کستلز به عکس گرفتن پرداختیم،برای ما مفاهیم بیشتری نسبت به کستلز در برداشت.